انجنیر سید مختار دریا

۲۷ جنوری ۲۰۱۹

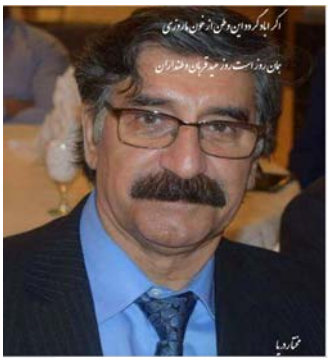

عیـد وحـدت

چـرا فلـک پـی بـربـاد خلـق افغـان است — چـرا زمـام حکـومـت بـه دست نـادان است
بکن ز ریشـه نهالـی که بـرگ تفرقـه ریخت — کـه ایـن فصیلـهٔ گنـدیـده هـای دوران است
به پـای خیـز کـه میهـن ز نـو بنـا سازیـم — کـه بـاغ میهـن مـا پـر ز نـو نهلان است
زبـس که ریختـه خـون این اجیـر بـد سیرت — بـه جای آب به دریا چه خـون به جریان است
ز بـد سـگالـی ایـن دشمنـان میهـن مـا — جنوب و شرق وشمال وطـن چـو زنـدان است
ز غـرب و مرکز میهن دگر مپرس ای دوست — که چشم خلـق ازیـن حـادثـات گـریـان است
یکـی بُـرد سـر ودیگـر زنـد بـه آتش کیـن — دگـر بـه قصـر سپیدار مست و خنـدان است
کجا شد آن همه احساس وشرم و غیـرت شـان — کـه میـر شـان ز سعـودی و آل نهیـان است
ز فتنـه کیشـی آل خـلیفـه و راشـد — همین بس است عطشان به خـون افغـان است
نـویـد مـی رسـد از حنجـر جـوان وطـن — کـه عید وحـدت مـا همچـو عید قربـان است
سـرت فـدای وطـن کـن که مـوج خـون رگـت — چـوسیل خشم وطنـدوستـان بـه طغیـان است
بیـا و همـره دریـا خـروش وحـدت کـش — کـه ختـم دورهٔ بیـداد سفلـه کیشـان است

"مختار دریا" ۱۲ جون ۲۰۱۷ کانادا